

## بررسی چالش‌ها و نارسایی‌های زندان

محمد مهدی یوسفی<sup>۱</sup>

### چکیده

زندان به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین مجازات دارای سابقه طولانی بوده و فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشته است. این کیفر موافقان و مخالفانی دارد که هریک به دلایلی آن را پذیرفته یا آن را نفی می‌کنند، لیکن نویسنده در این نوشتار تلاش نموده تا به برخی از چالش‌های موجود در زندان از قبیل ناکارآمدی زندان در تأمین اهداف حقوق کیفری، عدم توفیق در پیشگیری از تکرار بزه و جرم‌زایی، مشکلات بهداشتی و پیامدهای اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی و سرانجام پدید آمدن معضلی تراکم جمعیت کیفری و کمبود فضا در زندان‌ها بپردازد و از این رهگذر قانون‌گذار و قضات را نسبت به جایگزینی و به کارگیری کیفرهای دیگر به جای حبس تشویق نماید. البته این به این معنا نیست که زندان عاری از هرگونه نقطه‌ی قوت باشد بلکه زندان از نقاط قوت زیادی برخوردار است تا جایی برخی به این باورند که زندان بدیل ندارد. با این وجود امروزه زندان با چالش‌های مواجه است که نظام‌های حقوقی را وادار نموده تا باز نگری جدی نسبت به آن داشته باشند.

**کلید واژه‌ها:** زندان، نظام عدالت کیفری، پیشگیری از جرم، تکرار جرم، آمار کیفری.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی جامعه‌المصطفی العالمیه مشهد مقدس.

## مقدمه

هر چند که زندان به عنوان مجازات از اواخر قرن وسطا به کار گرفته شد و با تدوین قوانین کیفری اروپایی توسل به آن، به عنوان یک کیفر به اوج خود رسید، اما زندان در طول تاریخ دارای سابقه طولانی به اندازه حیات بشر است و تاریخچه آن دارای فراز و نشیب فراوان بوده که در حقیقت بسیار دردناک و غم‌انگیز است، چرا که بدترین جنایتکاران و بهترین انسان‌ها هر دو، زندان را تجربه نموده است.

در اوایل، بشر جایی را برای نگهداری عناصر و افراد شرور و حفظ افراد جامعه از شرارت آن‌ها اختصاص می‌دادند، لذا زندان در طول تاریخ دچار کش و قوس‌های فراوان بوده و به عبارتی تحولات بسیاری را تجربه نموده که بحث درباره آن از حوصله این نوشتار خارج است. اما مهم‌ترین دلایلی که توسل به مجازات زندان را توجیه کرده عبارت است از اینکه زندان بازدارنده، عبرت‌انگیز، اصلاح‌کننده و چاره‌پذیر است.<sup>۱</sup> ضمن اینکه ضمن اینکه به بازگشت نظم و امنیت عمومی کمک کرده و جامعه را در برابر بزهکاران مصون می‌سازد. (پرادل، ۱۳۷۳: ۷۳)

اما امروزه به علل مختلف از جمله هزینه‌های روزافزونی که زندان به جامعه تحمیل می‌کند و شناخت بیشتر اثرات ناگواری که این نوع مجازات در پی دارد، همچنین تراکم بیش از حد زندانیان در زندان دست‌به‌دست هم داده تا سیاستگذاران را وادار نماید که نقش حبس را دوباره مورد بررسی قرار دهند و راه‌حل‌های نوینی را برای آن بیابند. (ماتیوس و فرانسیس، ۱۳۸۱: ۵)

اگرچه امروزه تا حدودی سلول‌های انفرادی، حبس با اعمال شاقه، کار اجباری و... به تاریخ پیوسته است، ولی نمی‌توان انکار کرد که سیستم زندان‌ها در حال حاضر نیز با چالش‌ها و ایراداتی جدی مواجه است که ذهن بسیاری از متفکران، اندیشمندان، متولیان و مسئولان را به خود مشغول نموده است. باید به این نکته اذعان داشت که هر نارسایی و ایرادی که بر مجازات و اعمال آن وارد باشد، مانعی در راه رسیدن به امنیت قضایی و اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی محسوب می‌شود. از این رو نویسنده در این نوشتار

۱. چاره‌پذیری به این معناست که در صورت اشتباه قضایی یا اصلاح محکوم می‌توان اشتباه قاضی را با آزادی فرد جبران کرد و او را بلافاصله آزاد کرد؛ به خلاف مجازات اعدام یا مجازات بدنی دیگر که قابل جبران نیست.

تلاش نموده به پاره‌ای از چالش‌ها و نارسایی‌های زندان اشاره نموده و نقش آن‌ها را در کاهش اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی گوشزد نماید. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که امروزه به دلیل وجود همین نارسایی‌ها در بسیاری از کشورها زندان‌زدایی در دستور کار قانونگذاران، قوه قضائیه، مراکز پژوهشی و به طور کل دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری قرار گرفته است.

بر این اساس، نخست ضعف و ناکارآمدی زندان را در پیشگیری از ارتکاب و تکرار بزه و جرم‌زا بودن آن مورد بررسی قرار خواهیم داد، سپس به بررسی مشکلات اجتماعی، خانوادگی، بهداشتی و پیامدهای اقتصادی آن خواهیم پرداخت.

### ۱. ناکارآمدی زندان در تحقق اهداف کیفر

فلاسفه کیفری همواره یکی از اهداف عمده توسل به کیفر به ویژه کیفر حبس را نقش بازدارندگی کیفرها و در نتیجه پیشگیری از وقوع یا تکرار بزه ذکر می‌کند. در این مبحث از یک‌سو این نقش را مورد بررسی قرار می‌دهیم و به دنبال آن هستیم که ببینیم آیا در شرایط کنونی چنین نقشی را می‌توان برای اعمال کیفر حبس قائل شد یا خیر و اگر زندان دیگر فاقد چنین نقشی است، به قول فوکو (فیلسوف فرانسوی) «چرا تنبیه»؟! پرسش دیگر این است که آیا زندان خود به جای پیشگیری از بزه یا تکرار آن نقش معکوس را بازی نمی‌کند و آیا خود جرم‌زا نیست؟

#### ۱.۱. پیشگیری نکردن از ارتکاب بزه

هر مجازاتی دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند از طرفی بزهکار را در جامعه مطرود سازد و آزارش دهد و از سوی دیگر جامعه را در امنیت حاصل از اعمال مرتکبان بزه قرار دهد. بر همین مبنا اهداف چندی را برای مجازات‌ها قائل شده‌اند؛ از جمله اصلاح و تربیت مجرم، اجرای عدالت و ارباب مجرم و بزهکاران بالقوه.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها، ویژگی ارباب و بازدارندگی مجازات است. بدین معنا که به وسیله اعمال کیفر نسبت به بزهکاران، از یک‌سو ناکردگان بزه و آن‌هایی که قصد ارتکاب بزه دارند، مرعوب شده و مرتکب بزه نمی‌شوند و از طرف دیگر، خود بزهکار از ارتکاب بزه جدید خودداری می‌کند. ارباب، هم شامل خود مجرم و هم شامل بزهکاران بالقوه می‌شود. (شامبیاتی، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۶)

اگر کیفر مرعوب می‌کند، نه این ارباب امروز و دیروز است، بلکه ترسی کاشته و آبیاری شده در قرن‌هاست و در نتیجه، دارای ریشه‌ای بسیار عمیق در اضطراب‌ها و دلهره‌های بشری است که مدام با آن‌ها سروکار داشته و این دلهره‌ها به دیگران در قبال رفتارهای ضداجتماعی آن‌ها انتقال داده است. عامل ترس و یا قدرت ترساننده مجازات، بدین دلیل توانسته قرن‌ها دوام پیدا کند که اصولاً بشر نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود علاقه‌مند است و تخطی به این ارزش‌های پذیرفته‌شده را نگران‌کننده و غیرقابل‌گذشت می‌داند. از این رو بشر در اعمال مجازات از همین احساس عمیق و علاقه بشری نسبت به حیات، آزادی، مال و آبروی خود برای ترساندن الهام گرفته و تهدید یا انهدام آن‌ها را چاره‌ای احترام‌گذاری نسبت به آن‌ها دانسته است.

لذا ترس یک عامل بازدارنده نیز محسوب می‌شود، زیرا بشر به دلیل حفظ امنیت خود و تمایل به آرامش و آسایشی که دارد، هرگز دوست ندارد زندگی او دچار دلهره و اضطراب شود. پس ترس از فراز و نشیب زندگی و نوسانات و رفتاری‌های آن، شخص را از ارتکاب اعمالی که می‌داند در آینده برای او ایجاد چنین ناآرامی و دلهره‌هایی می‌کند، باز می‌دارد. (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۷۰)

امروزه در اینکه زندان می‌تواند موجب ترس و ارباب بزهداران بالفعل و بالقوه و افرادی که تفکر مجرمانه در سر دارند، شود و بدینوسیله از ارتکاب جرم جلوگیری کند یا خیر، تردید وجود دارد و این امر که آیا مجازات زندان در حال حاضر می‌تواند در حقوق کیفری ایران دارای اثر تریبی و بازدارندگی باشد، نه تنها ثابت نشده، بلکه در مواردی مخصوصاً نسبت به مجرمین حرفه‌ای خلاف آن را شاهدیم. از این رو می‌توان گفت بعید است مجازات زندان بتواند مانعی بر سر راه ارتکاب جرم باشد. یکی از مواردی که می‌تواند مؤید این ادعا باشد، این است که با وجود اعمال مجازات زندان همواره میزان بزه، بزهداران و زندانیان افزوده می‌شود. آمارهای متعددی شاهد این مدعی بوده لذا می‌توان نتیجه گرفت که مجازات زندان در کاهش آمار جرایم، بازدارندگی و پیشگیری از جرم، تأثیری ندارد. (جوانفر، ۱۳۷۹: ۸۲)

علت این امر هم این است که جرم، معلول علل و عواملی مانند فقر و بیکاری، بی‌سوادی، مهاجرت و... است که زندان در از بین بردن آن‌ها تأثیری ندارد و تا وقتی علل و زمینه‌های ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد و بر این اساس، زندان تنها باید به عنوان آخرین حربه و در موارد بسیار محدود تجویز شود.

برخی از نویسندگان در این خصوص بر این عقیده‌اند که رعب و ترس از مجازات نیست که مانع از وقوع جرم می‌شود، بلکه ظرفیت قدرت مقاومت افراد در برابر عوامل محرک و جرم‌زا و فقدان این عوامل در اجتماع است که باعث می‌شود افراد به طرف جرم روی آورند یا از دست‌زدن به آن خودداری ورزند. اگر علل جرم‌زا مانند فقر، بیکاری و بی‌سوادی و... در اجتماع فراوان باشد، هر قدر هم افراد در برابر آن‌ها مقاومت نمایند و به علت ترس از مجازات مرتکب جرم نشوند، باز یک روز توانایی‌شان در هم شکسته می‌شود و سرانجام در دام بزهکاری می‌افتند. برای جلوگیری از ارتکاب جرایم، ایجاد ترس و واهمه از مجازات نمی‌تواند مثمر ثمر باشد، همان‌طور که در طول تاریخ شدیدترین و وحشتناک‌ترین مجازات‌ها هم نتوانست این رعب را به وجود بیاورد. مجازات زندان تنها مبارزه با مجرم است، درحالی‌که باید برای جرم چاره‌ای اندیشید.

نکته دیگر اینکه هر چند از یک‌سو، مجازات زندان به عنوان یکی از مجازات زندان، دور کردن بزهکار از جامعه برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم و تأمین امنیت جامعه و شهروندان مطرح است، از سوی دیگر، امروزه ارتکاب انواع رفتارهای مجرمانه در زندان‌ها از قبیل خریدوفروش مواد مخدر، اعتیاد و انحرافات اخلاقی و جنسی رخ می‌دهد. بدین ترتیب می‌توان دریافت که زندان توان پیشگیری از ارتکاب بزه را ندارد و به جای ابزار و وسیله پیشگیری از بزه، به یک موقعیت و محیط جرم‌زا تبدیل شده است. پس وقتی مجازات زندان نتواند کارکردهایی را که بدان منظور ایجاد شده، برآورده سازد، نتیجه آن چیزی جز بی‌فایده بودن اعمال و اجرای آن و نا امنی قضایی نخواهد بود. این امر در خصوص جامعه و شهروندان آن، که حق اعمال و تصدی حاکمیت را به جامعه و دولت تفویض کرده‌اند تا امنیت آنان را در مقابل ارتکاب و صدمات جرم، تأمین کند و در کنار آن برای تحقق این منظور، هزینه‌هایی را متقبل می‌شوند که بخشی از آن صرف پیشگیری از بزه و نگهداری بزهکار در زندان‌ها کند، بیشتر قابل تأمل است.

وقتی زندان نتواند از ارتکاب جرم پیشگیری کند و مصونیت جامعه و افراد آن را فراهم نسازد، بی‌شک جامعه نه‌تنها نمی‌تواند با توسل به آن، امنیت قضایی را برقرار سازد، بلکه بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز سبب خواهد شد.

## ۲.۱. انتقال تجربه های مجرمانه

مارک آنسل درباره زندان می‌گوید:

زندان دیگر در عمل آنچه را که مدعی آن است، یعنی برای آن ایجاد شده، ارائه نمی‌دهد. هدف انسان‌های قرن هجدهم که برای زندان اقسام و درجاتی را منظور کرده بودند آن بود که مجازات مذکور جنبه عبرت‌انگیز به خود گیرد. انسان‌های سده نوزدهم معتقد بودند که زندان‌های انفرادی موجبات ندامت محکوم را فراهم می‌سازد و او را در اتخاذ تصمیم مبنی بر ادامه زندگی شرافتمندانه یاری می‌دهد. انسان‌های قرن بیستم نیز زندان را مکان و وسیله‌ای بازپروری اجتماعی محکوم می‌دانند، ولی حقیقت این است که همه این امیدها به باد رفته است. زندان ضمن آنکه باید ابزار اصلی واکنش در مقابل بزهکاری باشد، از همان آغاز به صورت یک مدرسه تکرار جرم بوده و یا به آن تبدیل شده است. (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷)

مجرم از تاریخ ورود به زندان تا خروج از آن شخصیت متفاوت پیدا می‌کند و زندان نه تنها مجرم را اصلاح نمی‌کند، بلکه باعث حرفه‌ای‌تر شدن وی می‌گردد، زیرا رفتار متقابل زندانیان و تأثیرگذاری آنان بر یکدیگر، موجب انتقال سوابق مجرمانه می‌شود. در فرهنگ زندان، از کسی که مرتکب جرایم متعدد شده به عنوان یک فرد زیرک و با هوش یاد می‌شود. عرف زندان به نحوی است که مثلاً در یک سلول ۲۰ تا ۲۵ نفری یک نفر به عنوان ارشد و مسئول کارهای آن‌ها و برای رتق و فتق امور روزانه انتخاب می‌شود و یکی از شرایط انتخاب ارشد، سابقه‌دار بودن و آشنایی با قوانین و ضوابط و مسائل زندان است. یعنی فرد سابقه‌دار، نسبت به دیگران امتیازاتی دارد و مجرمان حرفه‌ای در زندان‌ها حالت پیشکسوت را دارند. گذشته از این در مراودات زندان هیچ خبری از رعایت نزاکت و ادب دیده نمی‌شود و اکثر مجرمان، جرم خود را کتمان نکرده و احساس شرمندگی نمی‌کنند. (عبدی، ۱۳۷۱: ۲۷۲)

عوامل فوق دست‌به‌دست هم می‌دهد تا مجرم هنگام خروج از زندان حرفه‌ای‌تر شده، حالت خطرناک و جرم‌زایی وی بیشتر گردد. در پژوهشی که از زندان قصر به عمل آمده محققان متوجه شدند بیشتر زندانیان به علت جرایم سنگین‌تر نسبت به جرایم قبلی، به زندان بازمی‌گردند و به دوستان خود وعده دیدار می‌دهند. (همان: ۴۳۵)

بر اساس پژوهش صورت گرفته در برخی از موارد، مجازات زندان نه تنها در مقابل با جرایم و تخلفات، موقعیت چندانی نداشته و باعث بالا رفتن مقدار آن‌ها شده است، بلکه موجب شده است که ارتکاب بزه با وصفی تفکر انگیز، با کیفیتی به مراتب بالاتر و سرعت بیشتر صورت پذیرد. در نتیجه، زندان موجب ارتقای کیفیت جرایم شده، چرا که هرچه تراکم زندانیان بیشتر باشد مقدار یادگیری شگردها و حیل‌های بزهکاری نیز بیشتر

می‌شود. علاوه بر این کاهش امکانات فوق برنامه، طبقه‌بندی محکومان بر اساس سن(نه سابقه) سابقه محکومیت زندان نیز تأثیر بسزایی در افزایش میزان شگردهای مزبور دارد.(همان: ۴۴۷)

پژوهشی دیگر نیز نشان می‌دهد که ۲۹٪ افراد به طور مرتب، مرتکب جرم شده و به زندان بازگشت نموده‌اند. بدین ترتیب، درمی‌یابیم که زندان، نه تنها برای افراد سابقه‌دار(۲۹٪) کاری صورت نمی‌دهد.(چون آمار ۲۹٪ در طی ۵ سال ثابت بوده است) بلکه سایر زندانیان، یعنی زندانیان بدون سابقه به طور غیرمستقیم در معرض آموزش‌های غلط آنان قرار می‌گیرند. با این وضع زندان نمی‌تواند مکان اصلاحی و تربیتی باشد، چه با ادغام افراد با سابقه و بدون سابقه در کنار یکدیگر، موجبات یادگیری رفتار مجرمانه توسط افراد بدون سابقه را هم فراهم می‌آورد.

چه بسا مجرمانی که به علت ارتکاب جرایم ساده و سبکی مانند اعتیاد یا قاچاق تنها چند گرم مواد مخدر به زندان محکوم شده‌اند و در زندان بر اثر معاشرت با بزهکاران حرفه‌ای، پس از آزادی، به یک مجرم حرفه‌ای و خطرناک(قاچاقچی عمده و حرفه‌ای مواد) تبدیل شده‌اند و یا در درون زندان باند و تشکیلاتی را راه انداخته‌اند و پس از آزادی از زندان، به صورت جمعی و گروهی به ارتکاب جرم پرداخته‌اند. امروزه اگرچه هدف از محکومیت به زندان، تأدیب و بازپروری محکوم است، ولی نکته جالب اینجاست که پس از آنکه نوع محکومیت مجرم بر اساس قوانین جاری تعیین شد، دیگر کسی نگران وضعیت کسی نیست.

در غالب موارد تئوری بازپروری، بازگشت سازنده محکوم به آغوش جامعه تعریف شده است، ولی در حقیقت چیزی دیگری را نشان می‌دهد. افزایش آمار جرایم و بزهکاری، شک و تردید در مورد ناکارا بودن زندان‌ها را تشدید کرده است. زندان که در حال حاضر برای حل مشکل بزهکاری مورد توسل و تمسک قرار می‌گیرد، خود به یک عامل و محیط جرم‌زا تبدیل شده است و همان‌گونه که مارک آنسل می‌نویسد: «امروزه بحث بر سر این است که چگونه می‌توان جز در مواردی استثنایی و اجتناب‌ناپذیر، جامعه را از شر زندان رها ساخت». (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷)

تراکم جمعیت کیفری زندان‌ها، کمبود امکانات اصلاحی، ضعف مدیریت زندان و ناکارآمد بودن شیوه‌های اصلاحی زندان، موجب می‌شود که مجازات زندان، نه تنها تأثیری در اصلاح مجرمان نداشته باشد، حتی اسباب مجرم‌پروری را نیز فراهم آورد.

زندان با چنین شرایطی، جامعه را از صدمات و آماج بزهکاری مجدد مجرمان زندانی مصون نمی‌سازد. دلیل این ادعا آن است که اکثر مجرمان، سابقه یک یا چند محکومیت زندان دارند و این امر برای مردمی که یگانه امیدشان به دستگاه عدالت کیفری است، نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی در پی نخواهد داشت.

### ۱. ۳. ارتکاب جرایم مواد مخدر در زندان

یکی دیگر از مشکلات موجود در زندان‌ها، مشکل واردکردن مواد مخدر و استعمال و خریدوفروش آن در درون زندان است. این مسئله امروزه برای سازمان زندان‌ها به صورت یک معضل درآمده است. مجرمان زندانی با شیوه‌ها و ترفندهای گوناگون، مواد مخدر را به زندان وارد و اقدام به توزیع و استعمال آن می‌کنند. ورود مواد مخدر به زندان ممکن است به چند طریق صورت گیرد.

۱. جاسازی بدنی توسط متهمان تازه‌وارد و یا محکومانی که از مرخصی بازمی‌گردند؛ آنان ممکن است مواد مخدر را ببلعند و بدین طریق آن را وارد زندان کنند.

۲. در ملاقات‌های حضوری زندانیان با خانواده‌هایشان؛ از طریق جاسازی در کالاهای مورد نیاز زندانیان از قبیل کفش، مواد غذایی، پوشاک و ... .

۳. به واسطه خیانت مأموران (اعم از سربازان و نیروهای کادر) و یا توسط کسانی که برای خرید مواد غذایی، سبزیجات و میوه به بیرون از زندان رفت و آمد دارند.

۴. به وسیله حیوانات تربیت‌شده، مانند پرندگان، گربه و... تا جایی که سید مرتضی بختیاری رئیس وقت سازمان زندان‌ها در این خصوص ابراز داشت که از نیمه دوم سال ۱۳۷۸ تا مهرماه ۱۳۸۱ هشتاد کیلوگرم هروئین در زندان‌های کشور کشف شده است. در این مدت ۱۲ هزار پرونده مربوط به کشف مواد مخدر در زندان‌های کشور برای ارجاع به مراجع قضایی تشکیل شده که تخلفات نیروی انتظامی و پرسنلی، تنها ۵٪ آن را تشکیل می‌دهد. (ماهانامه اصلاح و تربیت، ۱۳۸۱: ۴۷)

واردکردن، توزیع و استعمال مواد مخدر در زندان مخالف با اهدافی است که قانونگذار از مقرر کردن مجازات زندان در نظر داشته است. زندان که باید در عمل کانون اصلاح و بازپروری و تربیت مجرم باشد، تبدیل به محیطی مجرمانه شده است که هیچ فایده‌ای برای مجرمان و جامعه در پی ندارد و بحث از اصلاح و درمان مجرمان در چنین شرایطی بی‌مورد است.



استعمال مواد مخدر در درون زندان می‌تواند به دلایل مختلفی چون فشارهای روحی و روانی زندان، نیازهای جسمی و روانی و یا ماجراجویی و تفریح صورت گیرد، درحالی‌که تعدادی از زندانیان کشور را معتادانی تشکیل می‌دهد که برای بازپروری و ترک اعتیاد، روانه زندان شده‌اند کمتر از سایر زندانیان است که برای تحمل کیفر، بازپروری و اصلاح به زندان محکوم شده‌اند. فراوانی مواد مخدر و عرضه آن در زندان، جز جرم‌زایی و تحمل هزینه‌های سنگین بر جامعه بابت نگهداری مجرمان در زندان، چه دستاورد و نتیجه‌ای می‌تواند داشته باشد؟

لازم به یادآوری است که سازمان زندان‌ها برای رفع این مشکل اقداماتی انجام داده است؛ از جمله، ممنوع کردن ورود سربازان به بند، استفاده از مخابرات محرمانه برای کشف جنایت مأموران کادر، تجهیز زندان به دوربین‌های مداربسته و استفاده از سگ‌های موادیاب، با این همه، باید توجه داشت که این اقدامات به تنهایی برای حل مشکل کافی نیست و دقت نظر و تدابیر و تمهیدات بیشتری را از جانب مسئولان و دست‌اندرکاران امر را در این زمینه می‌طلبد.

#### ۱.۴. انحرافات اخلاقی و جنسی در زندان

وجود انسان دارای نیازمندی‌های متفاوتی است که می‌بایست تأمین گردد و تأمین آن از طرق نامتعارف و نامشروع خود زمینه ارتکاب جرم را فراهم می‌سازد. جلوگیری از ارتکاب جرم یا سایر اعمال انحرافی، تنها به صورت تغییر نیازها با پیدا کردن راه‌های متفاوت برای تأمین آن‌ها ممکن می‌گردد. (صانعی، بی‌تا، ج ۴: ۱۶۳)

از جمله نیازهای انسان ارضای غریزه جنسی است که باید تأمین گردد و زندان به دلیل ویژگی‌ها و محدودیت‌های که دارد مانع می‌شود که غریزه مزبور به طور طبیعی و مشروع اشباع و ارضا گردد و این امر موجب پدید آمدن و بروز انحرافات جنسی در میان زندانیان می‌شود.

امروزه مشکلات اخلاقی و روابط جنسی در زندان‌ها را نمی‌توان انکار کرد. این روابط، خود یکی از عوامل شیوع عوامل خطرناک مانند ایدز و... می‌شود. هرچند که به گفته رئیس سازمان زندان‌ها میزان انحرافات اخلاقی در زندان‌های ایران به دلایل مختلف از جمله مسائل دینی و فرهنگی نسبت به کشورهای دیگر پایین است. لکن بروز این پدیده در زندان‌های ایران از یکسو و عدم اعلام و حتی در مواردی انکار آن از سوی

دیگر، سبب گردیده تا توجه چندانی به آن نشود<sup>۱</sup> و راهکاری را نتوان برای کاهش و رفع آن ارائه نمود. در هر حال باید پذیرفت که چنین موضوعی امروزه در زندان وجود دارد و بر اساس سلسله مراتبی که به سبب ضعف و قدرت در وجود دارد اغلب افراد ضعیف‌تر در معرض آزار و تجاوز جنسی قرار دارند و این روابط از همان ابتدای ورود به زندان شروع می‌شود. (یاوری، ۱۳۸۱)

### ۵.۱. تأثیر زندان بر محله‌های اطراف

یکی دیگر از مصادیق جرم‌زایی زندان، تأثیر زندان بر محله‌های مجاور است. برخی از زندان‌ها در درون شهر قرار گرفته، لذا طبیعی است که بخشی از بافت شهر محسوب شده و همانند سایر اجزای شهر با اطراف خود کنش و واکنش اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، و از آنجایی که زندانیان عمدتاً از افراد خطاکار جامعه هستند، تأثیر فرهنگی آن‌ها بر محله‌های اطراف زندان می‌تواند زمینه‌های افزایش میزان جرم را در بین کسبه محل از قبیل مغازه‌دارها، قهوه‌خانه‌ها و حتی خانواده‌های اطراف به وجود آورد. از سوی دیگر، زندانیان داخل زندان به اشکال مختلف با مردم خارج از زندان نیز در ارتباط هستند. گاه این ارتباط، پس از آزادی برقرار می‌شود و یا در زندان به وسیله ملاقات‌کنندگان و یا سایر راه‌ها. بنابراین، اولین محلی که در این ارتباط، متأثر می‌شود، محله‌های اطراف زندان است. آنچه در محله‌های اطراف زندان اتفاق می‌افتد، موجب آشنا شدن کسبه، جوانان جویای کار و خانواده‌های ساکن در اطراف زندان با این رمزها شده و بهداشت روانی محله را به خطر اندازد.

### ۶.۱. خشونت‌های زندان

خشونت در زندان نیز یکی از مسائلی است که امروزه به نوبه خو، قابل توجه بوده و مشکلاتی را به همراه دارد خشونت در زندان، ممکن است به صورت جسمانی (ضرب و شتم، کتک زدن، خودزنی و قتل) یا خشونت روانی باشد (تحقیر، دشنام دادن، توهین، اذیت و آزار). افزون بر اینکه وجود خشونت‌های جنسی (مانند تجاوز) و خشونت‌های

۱. البته ایجاد و ترویج ملاقات‌های شرعی در ایران می‌تواند گامی برای کاهش این معضل باشد که از این حیث اقدام بسیار ارزنده و مفید محسوب می‌شود.

بهداشتی (مانند آلودگی زندان) را نیز نباید از نظر دور داشت. در کنار مسائل مزبور، خشونت‌های زندان‌بانان نسبت به زندانیان نیز واقعیت غیر قابل انکار است.

خشونت در زندان، می‌تواند علل و عوامل متعددی داشته باشد که یکی از آن‌ها تراکم بالای زندانیان در فضای محدود و اندک زندان است. فشارهای روانی زندان مانند احساس غربت، تنهایی، دلتنگی، بی‌پناهی، نگرانی برای خانواده و... نیز از علل تشدیدکننده خشونت در زندان‌هاست.

بدین ترتیب امروزه زندان با توجه به خشونت و قیودی که بر آن حکمفرماست، تنها آزادی محکوم را از وی صلب نمی‌کند، بلکه یک تنبیه واقعی بدنی، روحی و روانی است که با تمامیت جسمانی و روانی محکوم آسیب می‌رساند و نتیجه آن طغیان و پرخاشگری روزافزون، توسل به خشونت و انتقال آن به دیگران است. در این میان زندانیان ضعیف‌تر بیشتر در معرض خشونت قرار می‌گیرند و بعضاً به بردگانی تبدیل می‌شوند که از ترس انتقام‌جویی قوی‌ترها، چاره‌ای جز سکوت و تحمل خشونت ندارد. چنین سلسله‌مراتبی، واقعاً در زندان‌ها وجود دارد و حقوق ضعیف‌تر از این حیث همیشه در معرض پامال شدن است. (عبدی، ۱۳۷۱: ۴۶۳)

بنابراین، زندانی که گفته می‌شد مکان اصلاح و بازپروری مجرم برای بازگرداندن وی به یک زندگی شرافتمندانه است، در عمل، چیزی فراتر از یک محیط مجرمانه و به قولی، مدرسه آموزش شگردهای بزهکارانه نیست. لذا این امر، مبنا و اساس اعمال و اجرای مجازات زندان را به عنوان مجازات ضروری، عادلانه و سودمند را زیر سؤال می‌برد.

## ۱.۷. طرد اجتماعی و بیکاری

یکی دیگر از پیامدهای منفی زندان، طرد اجتماعی و از دست دادن شغل است. بزهکاری که پس از تحمل کیفر حبس، از زندان آزاد شده و وارد اجتماع می‌شود، بر سر راه اشتغال خویش موانع بی‌شماری می‌یابد و حتی در بسیاری از موارد، به دلایلی از قبیل بی‌اعتمادی کارکنان دولت به وی، غیبت طولانی از محیط کار و از دست دادن سرمایه، شغل سابق خود را نیز از دست می‌دهد.

بدیهی است که هرچه حساسیت این مشاغل نسبت به زندان بیشتر باشد، برگشت مجدد به کار و یافتن شغل مشابه آن، مشکل‌تر و امکان آن، کمتر خواهد بود. این امر، در روحیه و طرز نگرش زندانی آزاد شده تأثیر گذاشته، تغییراتی را در شخصیت او به وجود

می‌آورد که الزاماً و به ناچار، او را به کارهای سوق می‌دهد که نسبت به زندان، سایر مجازات‌ها و انواع جرایم، تأثیرپذیر نباشد و حساسیت کمتری داشته باشد، زیرا این‌گونه افراد در مقابل وسوسه‌های شیطانی به قدری ضعیف هستند که یارای مقاومت در برابر آن‌ها را ندارند و نمی‌توانند خود را با اوضاع و احوال نوینی که برای آن‌ها به وجود آمده است، تطبیق دهند. آنان عنان قدرت را از دست می‌دهند و برای چاره‌جویی به جرایمی مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت، ولگردی و تکدی‌گری روی می‌آورند. (کی‌نیا، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۸۷)

با توضیحی که داده شد علت بازگشت مجدد زندانیان به زندان‌ها که میزان آن در ایران حدود ۱۷٪ اعلام شده است مشخص می‌گردد زندانی پس از آزادی از زندان، نه پس‌اندازی دارد و نه سرمایه‌ای و برای شروع یک زندگی سالم با مشکل مواجه است. نداشتن حرفه و تخصص و مطالبه عدم سوء پیشینه در ادارات دولتی برای استخدام، بدبینی و اعتماد نداشتن به آن‌ها و عدم ارجاع کار و یا ارجاع مشروط به معرفی ضامن که معرفی آن در توان بسیاری از زندانیان آزاد شده نبوده و نیز حجم بالای بیکاری در کشور، مزید بر علت می‌شود تا پس از چندی، وی به زندان بازگردد.

در واقع، آزادی زندانی به معنای بازگشت او به شرایط وقوع جرم است. وقتی فقر، بیکاری، کم‌سواد، نداشتن مهارت و تخصص، شرایط خانوادگی نامناسب و... همواره در جامعه پررنگ باشد، دور کردن موقت فرد از آن‌ها چه سودی به حال او دارد؟ وقتی فرد نتواند شغل و پایگاه اجتماعی مناسبی در جامعه کسب کند، مجدداً به سمت ارتکاب جرم کشیده می‌شود.

تشکیل و حمایت انجمن‌های حمایت از زندانیان و مراکز مراقبت بعد از خروج (در حال حاضر مراکز متعدد مراقبت پس از خروج و انجمن‌های مختلف حمایت از زندانیان در ایران وجود دارد) مسکن، امکانات و کمک‌های اولیه مادی و معنوی برای زندانیان آزادشده، کارآموزی زندانیان و فعال کردن بخش مربوط به آموزش تحصیلی برای آنان، تا مقداری زیادی بازگشت مجرمان به زندان را کاهش خواهد داد.

### ۸.۱. جرم‌زایی و یافته‌های دیگر

علاوه بر موارد که ذکر شد، زندان به طرق دیگر نیز می‌تواند زمینه‌های ارتکاب جرم را فراهم آورد که به اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. نبود امکانات سرگرمی، تفریحی و ورزشی در حد کافی در زندان که می‌تواند زمینه بروز ارتکاب اعمال ممنوع را نظیر شرط‌بندی و قمار و تخریب تأسیسات زندان به قصد سرگرمی فراهم آورد. افزون بر آن، امکان وقوع تخلفات و اعمالی چون سرقت، قتل، ضرب و جرح، خودزنی و... را در زندان نیز نباید از نظر دور داشت.

۲. ایجاد بدبینی و روحیه انتقام‌گیری در زندانیان و خانواده آنان، به ویژه در کسانی که به ناحق سر از زندان درآورده‌اند و یا میزان مجازات را عادلانه و متناسب با نوع عمل خود نمی‌دانند و همچنین کسانی که با قرار بازداشت موقت روانه زندان شده‌اند، انگیزه توجیه‌کننده‌ای برای ارتکاب جرم توسط این دسته از افراد می‌شود و بعضاً ارتکاب جرم در این موارد، نوعی اعتراض به تصمیم و نظام عدالت کیفری خواهد بود.

۳. ورود کارکنان و افراد نظامی و انتظامی به زندان‌ها، افزون به افت اعتبار فردی و موقعیت شغلی، سبب کاهش کارایی و در نهایت اخراج و بیکاری این افراد خواهد شد.

۴. ممانعت از بازگشت به کار سابق، طرد و تحقیر زندانی و خانواده وی از طرف جامعه و از دست دادن موقعیت شغلی و اجتماعی، منجر به تکرار جرم می‌شود.

۵. استفاده نکردن بهینه و مؤثر از زندانیان آزادشده و نیز استفاده نکردن صحیح از اوقات فراغت و بیکاری، زمینه انحراف و بزهکاری مجدد آن‌ها را فراهم می‌کند.

۶. الگوپذیری کودکان و نوجوانان خانواده‌های زندانی می‌تواند منجر به ارتکاب جرم توسط آنان گردد.

۷. افزایش میزان طلاق به علت زندانی شدن سرپرست خانواده و در نتیجه افت وضعیت تحصیلی فرزندان، مشکلات معیشتی و اقتصادی برای خانواده محکوم به طور کلی تشدید علل و عوامل جرم‌زا مانند بیکاری، فقر مهاجرت و... .

بنابراین، امروزه زندان که باید ابزاری برای پیشگیری و کنترل بزهکاری و کاهش آمار جرایم باشد، به یک عامل، محیط و ابزار جرم‌زا تبدیل شده است که این امر برای امنیت قضایی و دستگاه قضایی کشور، بسیار مخاطره‌انگیز است و موجبات بدبینی و اعتماد نکردن جامعه به نظام عدالت کیفری را فراهم می‌آورد. افزون بر نارسایی‌های یادشده در این مبحث، زندان، مشکلات و عواقب دیگری نیز چون مشکلات بهداشتی، درمانی، پیامدهای خانوادگی و اجتماعی برای زندانی و... را نیز در پی دارد که در مبحث بدان خواهیم پرداخت.

## ۲. مشکلات و پیامدهای بهداشتی، اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی

بدون تردید زندان افزون بر مواردی که ذکر شد، پیامدها و مشکلات عدیده دیگری هم دارد؛ مشکلات بهداشتی که ناشی از تجمع توده انسانی در زندان است. مشکلات و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی زندان. این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که بسیاری از این مشکلات و پیامدهای منفی ناشی از زندان بسته است و این سم مهلک یعنی زندان‌های بسته منشأ بسیاری از مفاسد و نارسایی‌هاست. به نظر، اگر خواهان رفع این مشکلات هستیم، باید به دنبال کاهش و در نتیجه حذف زندان‌های بسته باشیم.

### ۲. ۱. چالش بهداشتی زندان و بیماری‌های واگیردار

مشکلات و پیامدهای بهداشتی زندان مسئله‌ای نیست که اختصاص به کشور خاصی داشته باشد، بلکه در تمام کشورها به نوعی وجود دارد. بهداشت زندان شامل بهداشت شخصی (جسمانی و روانی) و محیط است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه ذهن بسیاری از مسئولان و متولیان امر را به خود مشغول کرده شیوع و گسترش بیماری مانند ایدز و سایر بیماری‌های مسری و عفونی در زندان‌هاست. در حال حاضر هرچند آمار دقیق درباره اینکه چه تعدادی از زندانیان در کشور ایران مبتلا به ایدز و یا بیماری‌های مسری دیگری است وجود ندارد، ولی مسلم است که تعداد مبتلایان به ایدز در زندان‌ها بیش از افرادی است که در جامعه مبتلا می‌شوند.

عوامل مختلف از جمله استفاده از سرنگ آلوده و مشترک، روابط جنسی کنترل نشده و فقدان بهداشت در شیوع بیماری‌های مذکور نقش برجسته‌ای دارد، تا جایی که در گذشته نه‌چندان دور رئیس سازمان زندان‌ها اذعان داشت که وضعیت بهداشت زندان‌ها به هم‌ریخته است و باید برای آن یک فکر جدی کرد؛ مثلاً افرادی کارتن‌خواب به زندان منتقل می‌شود که مدت بسیار طولانی حمام نرفته و بدنشان زخم برداشته است و ما ناچار به پذیرش آن‌ها هستیم... زندان‌ها مکان‌های اصلی پرورش ایدز و بیماری‌های مسری هستند. افزایش جمعیت زندان منجر به افزایش آمار مبتلایان به ایدز گردیده است. (ماهنامه نجات، ۱۳۸۰: ۸)

چندین عامل، مخاطره‌آمیز بودن وضعیت بهداشتی زندان را تشدید می‌کند؛ اولین عامل تراکم جمعیت و کمبود فضا است که امکان ارائه خدمات درمانی، بهداشتی و تأمین

بهداشت فردی و عمومی زندانیان را بسیار دشوار می‌سازد. هرچه تراکم جمعیت زندان بیشتر باشد، خطر ابتلا به بیماری‌های مسری و مقاربتی نیز افزایش می‌یابد.

دومین عامل، چرخه ورود و خروج زندانیان است که بر اساس آن هر سال تعدادی از زندانیان از زندان آزاد و عده‌ای دیگر وارد زندان می‌شوند. هرچه این ورود و خروج بیشتر باشد احتمال بروز مشکلات و بیماری‌های خطرناک هم بیشتر می‌شود. افزون بر آن، مبتلایان پس از ورود به جامعه ممکن است بیماری خود را به دیگران مخصوصاً به خانواده منتقل و از این طریق، بهداشت و سلامت اجتماع را نیز به مخاطره اندازد.

سومین عاملی که می‌توان به آن اشاره کرد عبارت است از رواج و شیوع اعتیاد در زندان‌ها و استفاده از سرنگ مشترک است؛ به گونه‌ای که بعضاً معتادان تزریقی بارها از یک سرنگ استفاده می‌کنند و حتی استفاده از سرنگ به شکل قرضی و اجاره نیز در میان زندانیان رایج است. این مسئله نیز بهداشت افراد را با مخاطره جدی مواجه ساخته و زمینه شیوع و انتقال بیماری‌های مختلف را فراهم می‌سازد. نکته قابل توجه در این خصوص این است که تراکم جمعیت در زندان و به دنبال آن مشکلات عدیده‌ای که به برخی از آن اشاره شد، هزینه‌های هنگفتی را به منظور تأمین نیازهای بهداشتی و درمان آنان بر جامعه تحمیل می‌کند.

از دیگر پیامدهای بهداشتی زندان می‌توان به بهداشت روانی زندانیان اشاره کرد. بهداشت روانی شامل فعالیت‌های می‌شود که افزون بر پیشگیری از ابتلا به مشکلات و اختلافات روانی و عصبی، فرد زندانی را برای ارتقای بهداشت روان یاری می‌کند. اساس فعالیت‌های بهداشت بر پیشگیری از ابتلای زندانیان به اختلالات روانی و عصبی استوار است. درحالی که متأسفانه امروزه زندان تنها علیه آزادی محکومان که تنها جسم او را نشانه رود اعمال نمی‌شود و کارشناسان آگاه به مسائل زندان معتقدند که با توجه به خشونت و قیودی که بران حاکم است، یک تنبیه واقعی بدنی، روحی و روانی است که علاوه بر جسم به روح و تمامیت روانی مجرم نیز اثر نامطلوب دارد. چنان اختلالات روانی در وی ایجاد می‌کند که نتیجه آن، یا اطاعت کورکورانه است که در آن، فرد مفهوم آزادی و میل به ابتکار عمل را از دست می‌دهد یا برعکس، حالت طغیان است که به صورت پرخاشگری روزافزون و توسل به خشونت متجلی می‌شود. (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۷)

زندان تأثیر عمیق و مهمی بر روح و روان زندانی بر جای می‌گذارد که این تأثیر شاید تا سال‌ها پس از آزادی از زندان نیز باقی بماند. منتقل شدن به زندان تنها یک انتقال

فیزیکی نیست؛ زندانی تازه‌وارد کسی است که از یک وضعیت اجتماعی معین که در آن پایگاه و نقش ویژه‌ای در بین اعضای داشته و از ارزش‌های خاصی حمایت و پیروی می‌نموده، به وضعیت اجتماعی دیگری قدم گذاشته که فشار فراوانی را بر روح و روان وی وارد می‌کند و عواقب سوء آن غیرقابل انکار است. (عبدی، همان: ۱۸۲)

## ۲.۲. پیامدهای اقتصادی زندان

از چالش‌های دیگر زندان می‌توان به پیامد اقتصادی آن بر جامعه و افراد اشاره نمود. یکی از موارد مزبور هزینه نگهداری زندانیان برای جامعه است که با توجه به فقدان شرایط لازم برای اصلاح و بازپروری بزهکاران با زندان، این هزینه، هزینه‌ای بی‌مورد و بی‌فایده است که بر جامعه تحمیل می‌گردد. صرف این هزینه در حالی صورت می‌گیرد که این هزینه‌ها به طور محسوس، نتیجه‌ای را به دنبال ندارد. جامعه در حالی ناچار به تأمین این هزینه‌هاست که امروزه از نظر اقتصادی، مشکلات بی‌شماری را پیش رو دارد. این در حالی است که اگر نیمی از این هزینه را به نهادهای پیشگیری از جرم و آموزش‌های همگانی پیشگیری از بزه اختصاص داده شود به احتمال زیاد به نتایج بهتر و مفیدتری دست خواهیم یافت.

رئیس سازمان زندان‌ها در سال ۱۳۸۰ بیان داشته بود که اگر این همه سرمایه‌گذاری دولت، قوه قضائیه نیروی انتظامی و... تنها صرف این شود که ما عده‌ای را بگیریم و به زندان بفرستیم و امکانات لازم را برای تربیت، درمان و اشتغال آن‌ها نداشته باشیم، در واقع هیچ حاصلی به دست نیآورده‌ایم و هرچه کاشته‌ایم به باد رفته است. اگر بتوان در هزینه‌های زندان صرفه‌جویی کرد مازاد این بودجه را می‌توان به راه‌اندازی اردوگاه‌های کار اختصاص داد تا در آن به آموزش حرفه و شغل به زندانیان پرداخت و زمینه اشتغال زندانیان را در بخش‌های کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و... فراهم نمود. بازده و برون داد زندان، از لحاظ اقتصادی مطلوب نیست و ۱/۰ هزینه‌ها و مخارجی که صرف نگهداری یک زندانی می‌شود، برای جلوگیری از ارتکاب چندین جرم کفایت می‌کند. (ماهنامه نجات، ۱۳۸۰: ۸)

یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی زندان، قطع رابطه شغلی و اقتصادی محکوم و حذف نیروی انسانی قابل توجه از مدار توسعه اقتصادی و نیروی انسانی کشور است که نتیجه آن جز کاهش تولید ناخالص داخلی و تشدید بحران اقتصادی، چیزی دیگری نخواهد



بود. حبس تعداد زیاد از نیروی انسانی و سلب امکان کار از آنان جامعه را از نیروی کار زیاد و عمدتاً فعال محروم می‌کند، ضمن اینکه تعدادی از زندانیان خود صاحب مشاغل و حرفه بوده که با زندانی شدن آن‌ها طبعاً کارگاه و محل کار آن‌ها نیز تعطیل شده و موجب بیکاری کارگران زیادی می‌شود. (دانشورثانی، ۱۳۹۸-۱۳۹۷: ۱۲)

در یک پژوهش انجام شده از ۹۶۹ نفر از زندانیان، مشخص شد که ۵۰ نفر از آنان بیش از ۵۰۰ نفر کارگر را تحت پوشش داشته‌اند و ۵۴۹ مورد تا ۵۰ نفر را تحت پوشش داشته‌اند که به دنبال زندانی شدن این افراد، کارگران آن‌ها نیز بیکار شده‌اند. (گودرزی، ۱۳۸۱)

نکته دیگر درباره پیامدهای اقتصادی زندان، این است که چون بسیاری از زندانیان به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی، دیه، مهریه و سایر دیون در زندان به سر می‌برند، لذا برای خلاصی از زندان به دریافت پول و معاملات ربوی متوسل می‌شوند که نتیجه آن جز تشدید پدیده رباخواری چیزی دیگری نخواهد بود. این در حالی است که وجود معاملات ربوی و رباخواری خود یکی از علل ورشکستگی تجار و افراد جامعه و برهم زنده نظام اقتصادی است.

### ۳.۲. چالش‌های خانوادگی

یکی دیگر از پیامدهای مجازات زندان تحمیل اثرات سوء آن بر خانواده و فرزندان مجرم است که خود مغایر با اصل شخصی بودن مجازات‌هاست و چنین امری برای محکوم و خانواده وی، مجازاتی است که وجه قانونی نداشته و مخالف اصول مسلم حقوق کیفری است، زیرا زندانی شدن سرپرست خانواده موجب ایجاد مشکلات اقتصادی و معیشتی فراوانی برای خانواده و فرزندان محکوم می‌گردد. این امر، نه تنها برای وضعیت روحی، روانی، عاطفی و نظم درون خانواده آثار سوئی دارد، بلکه خانواده‌های این دسته از متهمین را با بحران‌هایی چون فرار از منزل، افسردگی، بهانه‌گیری، عصبانیت، نگرانی و ناامیدی نسبت به آینده، احساس سرخوردگی، افت یا ترک تحصیل، طرد از خانواده و بستگان و اجتماع همچنین خشونت مواجه می‌سازد. این در حالی است که چالش‌هایی چون بیکاری، نداشتن منبع درآمد نداشتن مسکن یا عدم توانایی در پرداخت اجاره مسکن را نیز باید بر مشکلات مذکور افزود. (علیشیری، ۱۳۸۷: ۲۳)

این در حالی است که پژوهش‌های صورت گرفته حاکی از این واقعیت است که بیشترین زندانیان را افراد متأهل و دارای فرزند تشکیل می‌دهد. در آماري صورت گرفته از میان ۱۵۰۰ نفر ۱۸۰ نفر آنان اعلام داشتند که بیش از ۵ فرزند دارند و ۱۰۹۱ مورد عنوان نمودند که خانواده‌هایشان با استفاده از امکانات سایرین ارتزاق می‌کنند.<sup>۱</sup> در حقیقت می‌توان گفت که با ورود سرپرست خانواده به زندان در اغلب موارد خانواده او نیز متلاشی می‌شود. بدین جهت لازم است برای هر جرمی که مجازات آن زندان است فکری برای زن و فرزندان او بشود تا کمتر شاهد فروپاشی خانواده‌های آنان باشیم.

## ۲-۴- چالش‌های اجتماعی زندان

جدای از پیامدهای اقتصادی، بهداشتی و خانوادگی، زندان پیامدهای ناگوار اجتماعی متعدد را نیز در پی دارد. مهم‌ترین پیامد اجتماعی زندان متزلزل شدن و سرانجام متلاشی شدن کانون خانوادگی است. به زندان رفتن شخص مجرم، در درجه اول خانواده او را در بلا تکلیفی قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> به ویژه زمانی که زندانی متأهل و دارای همسر و فرزند باشد، مشکلات عدیده‌ای برای همسر و فرزندان او ایجاد خواهد شد که در نهایت، فشارهای وارده همسر مجرم را برای فرار از چنین وضعیتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت وادار به گرفتن طلاق نموده، چه بسا در مواردی وادار به تن‌فروشی و روسپی‌گری گردد. البته این مشکل نسبت به افرادی که محکوم به زندان ابد و یا حبس‌های طولانی‌مدت شده‌اند، بیشتر شایع است.

در نتیجه، زندان می‌تواند زمینه بزهکاری همسر و فرزندان مجرم را فراهم نموده و زمینه‌ساز گرایش آنان به اعمالی مانند اعتیاد، خرید و فروش مواد مخدر، سرقت، فرار از منزل، روسپی‌گری، تکدی‌گری و... شود. طرد از جامعه، از دست دادن موقعیت اجتماعی، تنزل جایگاه فرد و خانواده در سلسله‌مراتب اجتماعی و مهاجرت اجباری یا تغییر مکان زندگی در پاره اوقات نیز از دیگر پیامدهای اجتماعی زندان است.

۱. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از وضعیت اسفبار زندانیان مالی زندان قصر.  
 ۲. از آنجاکه خانواده رکن طبیعی هر اجتماعی به شمار می‌آید طبیعی است که آسیب دیدن آن، موجب آسیب‌دیدگی اجتماع نیز می‌گردد؛ چه اینکه به طور کامل نمی‌توان میان پدیده‌های خانوادگی با پدیده‌های اجتماعی تمایز قائل شد و این دو را جدای از هم دانست.

در پایان باید یادآور شد که نارسایی‌های زندان صرفاً به موارد که در این نوشتار به صورت اجمال به آن پرداخته شد، نمی‌شود، بلکه زندان دارای چالش‌های زیادی از قبیل تراکم زندانیان و کمبود فضای کافی، حبس محور بودن قوانین، توجه بیش از حد قضات به صدور حکم زندان و... می‌باشد که پرداختن به آن از حوصله این نوشتار خارج است.

## نتیجه

هرچند که زندان به عنوان یک مجازات از ادوار گذشته تاکنون در نظام کیفری دارای جایگاه ویژه‌ای بوده و همواره مورد توجه قانونگذاران و قضات واقع شده است، با وجود این، زندان نه تنها در پیشگیری از ارتکاب بزه، کارایی چندانی ندارد، بلکه بر تکرار بزه، تنوع شیوه‌های ارتکاب جرم و آموزش فنون بزهکارانه نیز دامن می‌زند. در یک جمله زندان پیش از آنکه نقش پیشگیرانه را ایفا کند نقش جرم‌زایی دارد، به این دلیل که زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم در داخل زندان فراهم است و با ورود متهم مخصوصاً متهمانی که اولین بار است که پا به زندان می‌گذارد؛ این خطر وجود دارد که بعد از سپری کردن دوران محکومیت و خروج از زندان، با یک مجرم حرفه‌ای‌تر از قبل روبه‌رو باشیم. این بخشی از نارسایی‌های بود که زندان با آن مواجه است؛ یعنی در حقیقت زندان که باید اهداف حقوق کیفری را تأمین کند نه تنها در برآورده کردن این اهداف ناکام مانده است، بلکه خود به مدرسه جرم‌آموزی تبدیل شده است.

چالش‌های زندان به همین موارد نمی‌شود، بلکه مشکلات بهداشتی و درمانی و انتقال بیماری‌های واگیر مانند سل، ایدز و مشکلات جنسی - که با تجمع افراد در مکان بسته به اوج خود می‌رسد- نیز از معضلات آن است. ضمن اینکه نباید پیامدهای اقتصادی زندان را که متوجه جامعه و خانواده زندانی می‌شود، از یاد برد، لذا نباید فراموش کرد که برخی از مشکلاتی که در این نوشتار عنوان شد نقش مؤثری در کاهش اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی دارد. پس در حقیقت باید به این باور بود که زندان با ویژگی‌ها که دارد نمی‌تواند اهدافی را که فلاسفه کیفری برای آن برشمرده‌اند - از قبیل اصلاح مجرم، بازسازی اجتماعی، تنبیه و ارعاب فردی و اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم و تکرار آن - برآورده کند، لذا به زندان باید تنها در موارد ضروری اکتفا شود.

## منابع و مآخذ:

- آشوری، محمد (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: گرایش.
- جوانفر، عباس (۱۳۷۹)، بررسی مجازات‌های بدنی در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- دانشور ثانی، رضا (۱۳۹۸-۱۳۹۷)، کیفرشناسی (جزوه درسی، جامعه المصطفی العالمیه واحد مشهد، مقطع دکتری).
- پرادل، ژان (۱۳۷۳)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- شامبیاتی، هوشنگ (بی تا)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، [بی جا]: ویستار.
- صانعی، پرویز (بی تا)، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
- عبدی، عباس (۱۳۷۱)، تأثیر زندان بر زندانی، ج ۱، [بی جا]: نور.
- علیشیری، بهجت (۱۳۸۷)، «خلاصه گزارش پژوهشی مربوط به مسائل و مشکلات خانواده‌های زندانیان معتاد»، ژرفای تربیت، ش ۴.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۳)، مبانی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات زندان، تهران: میزان.
- راجر، ماتیوس و پیتر فرانسیس (۱۳۸۱)، «زندان‌ها در هزاره سوم»، ترجمه لیلا اکبری، راه تربیت.
- آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- مولر، لارس (۱۳۸۷)، بهداشت در زندان، ترجمه محمدحسین موسوی‌نسب و حسین صانعی، تهران: اندیشمند.
- نوربها، رضا (۱۳۸۷)، زمینه حقوق جزای عمومی، ج ۲۳، تهران: گنج دانش.

- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۳)، اصلاح سیاست کیفری کشور در قبال زندان و مجازات جایگزین، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- یاوری، جواد (۱۳۸۱)، بررسی مشکلات جنسی زندانیان ایران و ایالات متحده (مطالعه تطبیقی) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

